

استراتژی پیشروی جنبش کارگری، شروط یا راهبردها

فرشید شگری

دهم اسفند ماه هشتاد و شش

در اینکه سعی تمامی چالشگران چپ و رادیکال جنبش کارگری ایران در جهت پیشبرد پیکارهای کارگری است، هیچ شبه ای وجود ندارد، و اینکه هدف غائی پیشروان جنبش (داخل و خارج) پیدا کردن راهکارهایی در بر طرف ساختن معضلات پیشروی تشکل یابی و گرد آمدن قاطبه کارگران حول منافع طبقاتی آنان می باشد، یک واقعیت انکار ناپذیر است.

چه کسی می تواند بگوید این یا آن فعال چپ کارگری در جستجوی هدف فوق نیست و بی سبب عمر و زندگی خود را مصروف امر مبارزه کرده یا بدون دلیل گام در این راه پر مخاطره نهاده است؟ «مسئله احدی یک چنین ادعائی نخواهد داشت.» قطعاً برخی از دیدگاهها بجای رفع نواقص و کمبودها موجد گرفتاریهای بعدی خواهند گردید که میباید با بردباری، و در فضائی رفیقانه نقاط ضعف اینگونه آرا را برشمرد. مسلماً دیالوگ و برخوردی متین کارسازترند تا برافروختگی و تندی.

اما خود بحث، مدت هاست ذهن کوشندگان کارگری (قدیمی و جدید) بدین پرسش معطوف گردیده که از چه طروقی ملزومات پیشروی جنبش کارگری ایران فراهم می آید؟ دستیابی به تشکلهای مستقل و توده ای بعنوان مهمترین شرط پیشبرد مبارزات کارگری چگونه امکان دارد؟ این سؤالات بر اهمیت هنگامی برجستگی بیشتری یافتند که صحنه سیاسی کشور مملو از اعتراضات و اعتصابات روزانه کارگران صنعتی و خدماتی برسر مطالبات صنفی آنان بود. برآیند و صعود پیکارهای تدافعی کارگران برضد سرمایه داران در هر دو بخش خصوصی و دولتی از اوایل دهه هفتاد بدین سو، آغازگر طرح دوباره ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده ای در درون جامعه شد. از طرف دیگر اوجگیری چالشهای کارگری ضمن پرورده کردن رهبران جوان کارگری، جنب و جوش خاصی به گرایش سوسیالیستی جنبش رهایی زنان و دانشجویی در سال های نخست دهه هشتاد بخشید.

تأسیس کمیته هماهنگی، کمیته پیگیری و... به ابتکار کوشندگان کارگری گرایشات مختلف (راست و چپ) و با دو استراتژی مجزا «بمثابه یک پیروزی عمده برای جنبش» میوه دلچسب ایندوره بود. هرچند گرایش راست جنبش کارگری به توصیه و ترویج تشکل هائی با ماهیت سازشکارانه و در انطباق بی کم و کاست با خواست سرمایه داران، صاحبان صنایع و فرمیست های حاکمیت پرداخت، لیکن در برابر آن فعالین چپ متشکل در کمیته هماهنگی برپائی تشکل هائی با حضور گسترده کارگران، بدون اخذ اجازه از وزارت کار رژیم و با رویکردی ضد سرمایه داری را در دستور گنجانیدند.

سمت گیری طبقاتی و محتوای سرمایه ستیزی "کمیته هماهنگی" به تقویت گرایش سوسیالیستی یاری رسانید و دستاوردهای درخور تحسینی همچون نشان دادن مصائب و رنج های کارگران ایران به طبقه کارگر جهان و انتقال آگاهی بدرون بخش هائی از کارگران و تلاشگران کارگری در محل داشت، معذک معماران این کمیته بعلت بروز

زور آزمائی های نظری تا حدودی از امر سازمانیابی کارگران در نهادهای توده ای و طبقاتی بازماندند. البته غرض از بیان این مختصر به هیچ روی واری مسائلی درونی کمیته هماهنگی یا کند و کاوی در تقابلات جاری بر روی اساسنامه پیشنهادی اکثریت هیئت اجرائی کمیته هماهنگی و اساسنامه پیشنهادی محسن حکیمی نیست. در این باره رفقای زیادی از سر دلسوزی قلم زده اند و ارزیابی های کنکرت و مفیدی ارائه داده اند و امید می رود در آینده ای نزدیک خود رفقای دست اندرکار این تشکل با عنایت به اهداف تعیین شده، مسائلی داخلی اشان را حل و فصل نمایند. بهر تقدیر آنچه بطور کل مطمح نظر نگارنده این گفتار می باشد، یاد آوری شروطی است که پیشروی های آتی جنبش کارگری را ضمانت می کنند.

- درک اجتماعی از جدال با سرمایه داری

نخستین نکته در باب برداشتن قدم های رو به جلو، " درک اجتماعی از پیکار علیه سرمایه داری " است. این " درک علمی " هر فعل و انفعال کارگری را در سطح جامعه می سنجد و به نیت تقویتش وارد عمل می شود. این شناخت چون راههای کسب منافع استثمار شدگان را در اثر مطالعه و درس گیری از تجربیات تاریخی دقیقاً تشخیص داده لذا از هر فرجه ای در راستای تحمیل عقب نشینی به سرمایه داران سود می جوید. دارندگان عقیده فوق هیچگاه دور خود حصار نمی زنند، تنها مرزبندی شان با رفرمیست ها یا سندیکالیست هاست. این اندیشه بی دلیل اعتراضات کارگران برای بالا رفتن سطح دستمزدها، پائین آوردن ساعات کار و... را رفرمیستی نمی خواند، خارج از مدار تقابل با سرمایه داری و سیستم کارمزدی قلمداد نمی کند، و گرد آمدن کارگران را حول منافع طبقاتی « صرف نظر از تعلقات ملی، مذهبی و باورهای سیاسی متفاوتشان » اولین گام به طرف فتح سنگرهای بعدی می داند. صاحبان این برداشت و استنباط از پیکار علیه سرمایه داری برآنند تا از راههای متفاوت امر ناظر گردیدن گرایش سوسیالیستی طبقه را بر جنبش کارگری سهل و آسان سازند.

این دیدگاه وجود رو در روئی آشکار و پنهان کارگران با کارفرمایان و رژیم های سیاسی آنها را از جزئی ترین مطالبات صنفی گرفته تا پایه ای ترین آن حقوق، مبارزه ای روزمره علیه شیوه و روابط تولیدی معاصر و جدالی آشتی ناپذیر در جوامع بشری ارزیابی می نماید. از اینرو جنگ کارگران ایران بر سر دستمزدهای معوقه یا افزایش آن بر اساس نرخ تورم، حق بیمه های درمانی، حوادث محل کار، از کار افتادگی، بیکاری، بازنشستگی و سایر مزایای کارگری را پیکاری سیاسی- صنفی می نامد. اگرچه این دیدگاه فاکتور " آگاهی " را لازمه ظفر بردن پرولتاریا بر بورژوازی می داند و خود را مکلف به انتقال این آگاهی کرده، با این تفصیل معتقد است خود کارگران در پروسه مبارزه به آگاهی مورد بحث دست می یابند بدین معنا که پی بردن کارگران به قوانین و الزامات بقای نظام استثمارگر سرمایه داری (سرمایه، سود، و تولید و بازتولید ارزش اضافه) آسان می گردد و خود را برای براندازی این سیستم تدارک می دهند. از این واقعیت نتیجه می گیرد که نخست بشرط متشکل شدن کارگران در تشکل های توده ای و طبقاتی خود بدون قائل شدن هر پیش شرطی، و ثانیاً تقلای گرایش رادیکال سوسیالیستی در تسلط یافتن بر آن نهادهای کارگری یا جمع شدن کارگران حول این گرایش، زمینه پیاده کردن سوسیالیسم، لغو مالکیت خصوصی و کارمزدی کاملاً مساعد خواهد شد.

- شکافتن اوضاع راه نشان می دهد

فی الواقع منظور از " شکافتن " وضعیت سیاسی کشور و شناسایی نیروهای سهم در خلق آن، تدقیق رخدادها، پی گیری عملکردهای حاکمیت در مقابل اپوزیسیون بورژوائی (قانونی و غیرقانونی) و بالعکس می باشد. دانش بر کنش ها و واکنش های نیروهای دخیل در روندهای داخل و فهم دقیق شرایط، به گشوده شدن روزنه های عبور از موانع پیشروی می انجامد، به دیگر سخن تحلیل صحیح اوضاع نمایان کننده راهبردهای کارسازتری خواهد بود و رادیکال های جنبش کارگری خواهند توانست عکس العمل های سریع و مؤثری در برابر رژیم و گرایشات راست جنبش کارگری یا جریانات لیبرال از خود نشان دهند و مانع از به بیراهه رفتن مبارزات کارگران و ستمکشان گردند.

در این دوره رفرمیست ها و سندیکالیست ها که ریشه در بخشی از حاکمیت دارند یا دارای حلقه های ارتباطی محکمی با طیفهای رنگارنگ اپوزیسیون لیبرال، سوسیال دموکرات و ناسیونالیست ملل تحت ستم هستند، از موقعیت جا افتاده ای در جذب و جلب نظر کارگران برخوردارند. دفاع مودیانه آنان از خواست های صنفی- سیاسی کارگران و مزدبگیران، نقدهای آنها از نتایج زیانبار سیاست های کلان اقتصادی حاکمیت برای شهروندان طبقه تحتانی کشور، ارائه برنامه ها و پلاتفرم هایی در بهتر شدن سطح زندگی و معیشت ایشان در سایه همین رژیم یا پس از سرنگونی، مجالی به آنها داده تا بر اذهان قسمت هائی از کارگران ایران تأثیر بگذارند.

بدین اعتبار عنایت چپ های جنبش به فرآیندهای سیاسی کشور، نحوه پراتیک گرایشات خرده بورژوائی و بورژوائی جنبش بعلاوه مشغول شدن به رویدادهای منطقه ای و بین المللی، و کنکاش در جنبش کارگری همه ممالک جهان، راهگشای در پیش گرفتن خطوط مبارزاتی عاری از ایراد خواهند بود. یک فعال چپ کارگری زمانی از عهده وظایف خویش به خوبی بر می آید که سوای عمل به امورات خود در محل، قدرت تحلیل وقایع داخلی و خارجی را پیدا کرده، و همچنین به گرگهاها و کاستی های جنبش کارگری و جنبش کمونیستی در سراسر دنیا اشراف پیدا کند. با بخدمت درآوردن این دانش و تسلط بر نقاط ضعف جدال های کارگری در کشورهای مختلف، می توان به راهبردهای کاری و ثمربخش پی برد و چنان ضرباتی به سرمایه داران و رژیم سیاسی آنان وارد آورد که هرگز پشت راست نکنند.

- پشتیبانی از جنبش های دموکراتیک

طرح مطالبات توده های ناراضی در هر اعتصاب و اعتراض گارگری، و تأکید بر خواست های زنان و دانشجویان بسی حیاتیست. اگر دیکتاتوری همانند فقر و بدبختی های اقتصادی یکی از عوامل عمده در مسیر پیشروی جنبش کارگری ایران می باشد، بنابراین فقط با حمایت از مبارزات توده ای امکان غلبه بر این سد عظیم وجود دارد. در صورتی که جنبش های اجتماعی از مساعدت جنبش کارگری بی نصیب باشند و یا خود این جنبش ها به هواخواهی از جنبش کارگری برنخیزند و رهبری مبارزات را به طبقه کارگر واگذار نکنند پتانسیل آن را ندارند تا تحول و دگرگونی شایان تأملی پدید آورند. قطعاً جمهوری اسلامی هرچقدر هم سرکوبگر باشد در برابر این اتحاد تاب نخواهد آورد.

مصاف طبقه کارگر با طبقات فوقانی مفهومی جز درافتادن با زیربنای اقتصادی و روبناهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظام سرمایه داری ندارد، پس اگر گلاویز شدن کارگران با سرمایه داران نبردی همه جانبه با آنچه نمود

کامل ستم و نابرابری جامعه طبقاتی به زعامت بورژوازی است، ناپیستی از اعلام صریح مخالفت با حکومتگران پرهیز کرد. کارگران و فعالین کارگری در انقلاب هزار و سیصد و پنجاه هفت به سیل خروشان توده های ستمدیده علیه دیکتاتوری پهلوی ملحق شدند و عاقبت آن شد که دیدیم. چنانچه کارگران صنایع مادر فی المثل شرکت نفت به زنان و دانشجویان و اقشار معترض و ناراضی نمی پیوستند، قیام پنجاه و هفت با شکست مواجه می شد.

- همکاری عملی فعالین چپ جنبش بدون هیچ اما و اگر

" همگرایی و کار مشترک فعالین چپ " افضل ترین و مهمترین شرط پیشروی جنبش کارگری است. حتماً نباید برای فعالیت با یکدیگر ابتدا به تفاهم رسید یا یک ایده را قبول کرد. چند گونه‌گی افکار و نظرات متعدد نه بخرنج و نه غیر قابل حلند، مع الوصف همانطور در مقدمه آمده، بایستی با صبر و شکیبائی سراغ بحث هائی رفت که دارای نقص اند، حساب شده نیستند یا با تأمل کمتری مطرح شده اند.

منطق حکم می کند که انتقاد های دلسوزانه را بجان خرید و ارج نهاد زیرا منتقد نظر مثل صاحب نظر همان دغدغه را دارد و همان هدف استراتژیک را دنبال می کند. باید پذیرفت خود این پافشاری در ره یابی به هدف مشترک موجبات بروز چنین برخوردهائی را فراهم می آورند. از این زاویه به پیشنهادات اطرافیان نگرستن اصل اساسی در کنار هم بودن « بدون چشم پوشی از خطاها و در دست داشتن سلاح نقد » را صد در صد ممکن می سازد و از وارد آمدن ضربات جبران ناپذیر بر پیکر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر جلوگیری می کند. جای تحیر است با آنکه دهه هاست لزوم این همگرایی احساس گردیده، اما باز هم در پاره ای اوقات بعضی از رفقا جدائی را به صلاح کارگران و جنبش ایشان می پندارند.

هر کسی اندک آشنائی و شناختی از مصائب و مشکلات کارگران داشته باشد اصلاً و ابداً به تشدید یافتگی و افزوده گردیدن معضلات دیگر برسر راه جنبش کارگری رضایت نمی دهد. قریب سی سال است نداری و فلاکت، خفقان سیاسی و سرکوب، اخراج و بیکارسازی، بی تشکیلی و پراکندگی و دهها معضل اینچنینی طبقه کارگر را در منگنه قرار داده اند و به ورطه تبااهی کشانیده اند. واقعاً چگونه می شود در ازای جستجوی راهکاری به امید برون رفت یا حداقل ترمیم این زخم ها اندیشه جدا کردن مسیر مبارزه را در ذهن داشت وقتی هیچ تمایز و فرقی در اهداف نهائی

(انقلاب کارگری، بقدرت رسیدن طبقه کارگر و نابودی مناسبات استثمارگر ایانه سرمایه داری) نمی بینیم؟!!

مرزبندی با گرایشات رویونیستی یا رفرمیستی یک اصل پایه ای و تعطیل ناپذیر برای ما چپ های کارگری است و تا انتها هم این مصاف را ادامه می دهیم منتهی رفتن به جنگ کسی که بسان ما می اندیشد لیکن روش و متد کاری ما را قبول ندارد نفعی دربر نخواهد داشت آنهم در دوره ای که رژیم اسلامی- سرمایه داری و تمامی جناح های بورژوازی همسفره با حکومت یا ناراضی از آن چه مستقلاً و چه در اتحادهای نا نوشته، و اعلام نشده پلان متوقف کردن مبارزات رادیکال کارگران را می کشند، و با اقسام ترفندها در صدد ممانعت از رویکرد توده های کارگر و زحمتکش به افق سوسیالیستی اند.

جمع بندی:

در چهار سنه اخير زحمات بي دريغ و صادقانه اي از جانب پيشروان كارگري « بدون واهمه از دستگيري، شكنجه، حبس و اعدام » انجام گرفته، و هرچه از دستشان برآمده در طبق اخلاص نهاده اند. با اين همه، تا كنون پيش شرط حياتي حركت رو به پيش (ايجاد تشكّل هاي مستقل و طبقاتي) متحقق نگردیده، و متأسفانه احتمال جدائي فعالين گرايش سوسياليستي و راديكال هم بر جنبش كارگري سايه افكنده است. اين قضيه در حقيقت مايه نگراني اكثریت قريّب به اتفاق همسنگران آنان در جنبش هاي اجتماعي بويژه بخش چپ جنبش دانشجوئي و احزاب كمونيستي را ببار آورده است.

واضح است پاياني براي جدل هاي فكري نيست. اين مباحث هميشه مي توانند باشند و راهبردهاي عقلائي و مفيدتري از آن بحث ها بيرون آيند و جايگزين شيوه هاي كهنه شوند. آنچه اينك موضوعيت دارد برداشتن اولين قدم ها در جوابگوئي به نيازهاي عاجل مقطع دشوار كنوني مي باشد. مي شود توأمان با گرفتن انتقادهاي سازنده، و حضور فعال در مجادلات اندیشه يي، به همكاري تنگاتنگ با همدیگر و كار روتين و نقشه مند مشغول گرديم.

كوتاه سخن اينكه تشریک مساعي ما « صرف نظر از اختلافات كنوني » همراه با نگاهی دقيق به ريزه كاري ها و ظرافت هاي مبارزه طبقاتي، تمرکز در صف بندي و آرايش نيروهاي بورژوايي، دنبال كردن فعاليت هاي آنان در ميان جنبش هاي اجتماعي و بلاخره تعقيب منازعات داخلي جبهه سرمايه به يافتن خطوط مبارزاتي اصولي و منطبق با مصالح عاليه طبقه كارگر، كسب نتايج مطلوب در ميان مدت، و در نهايت به پاك شدن مسير پرسنگلاخ پيشروي جنبش كارگري ختم خواهد شد.

صرفاً پرداختن به اين يا آن ديدهگاه در درون گرايش سوسياليستي جنبش كارگري و رها كردن تحركات جبهه دشمن بجز پيچيده تر كردن مسائل و تضعيف جبهه كار و زحمت ثمره اي دربر ندارد. هر فردي خود را متعلق به گرايش سوسياليستي طبقه كارگر مي داند، فكر و ذكرش سازمانيايي كارگران و سپس انقلاب كارگري، برچيدن مالكيت خصوصي، لغو كارمزدی، محو طبقات و يا بطور خلاصه نابودي نظام چپاولگر سرمايه داري را افق خود قرار داده، ناگزير از قبول كار مشترك و اختصاص دادن انرژي خود بر روی روندهاي سياسي جامعه است.

فرشيد شكري

دهم فوريه ۲۰۰۷